

اضافه توضیحی در سرعنوانهای موضوعی فارسی

سعید اکبری نژاد^۱

چکیده: یکی از اضافه‌های دستور زبان فارسی اضافه توضیحی است که برخی آن را جریب از اضافه بیانی می‌دانند. در اضافه توضیحی ابتدا اسم عام و سپس اسم خاص می‌آید ولی این امر در زبان انگلیسی برعکس انجام می‌شود. همین ویژگی ریان فارسی باعث می‌شود که در موضوع‌سازی قواعدی رعایت گردد: حتی الامکان از این مضاف اضافه توضیحی استفاده نشود، در صورت نیاز ابتدا مضاف‌الیه، ویرگول، و سپس مضاف ذکر شود، و اگر مضاف‌الیه خود اسم عام دیگری بود، بهتر است مضاف و مضاف‌الیه به صورت طبیعی به کار رود.

مقدمه

طی بررسی‌یی نه چندان طولانی در فهرست‌نویسی، مشاهده شده است که اکثر کتابخانه‌ها (عمومی، تخصصی، یا دانشگاهی) با سرعنوانهای موضوعی فارسی به یک شکل برخورد می‌کنند. در صورتی که نوع استفاده‌کننده، نوع منابع، و نوع کتابخانه در شیوه و شکل استفاده از سرعنوانهای موضوعی تأثیر بسزایی دارد. برای مثال احتمالاً استفاده از زنجیره‌هایی مانند زنجیره‌های زیر برای موضوع دادن به کتابهای کتابخانه تخصصی تاریخ ایران مناسب نیست.

ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق - تحریم تنباکو.

ایران - تاریخ - انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۷۲ ق - توپ بستن مجلس، ۱۳۲۶ ق.

زیرا: (۱) کتابخانه تخصصی است و در محتوای اکثر کتابها موضوع "ایران - تاریخ" نهفته است. بنابراین ذکر مجدد آن برای هر کتاب در برگه‌های فهرست‌نویسی ضرورتی ندارد. (۲) از نظر تراکم موضوعی، این کتابخانه دچار مشکل می‌شود، زیرا اکثر برگه‌ها در برگه‌دانه‌ها موضوع "ایران - تاریخ" را خواهند داشت، که این امر بازیابی را با مشکل همراه می‌سازد. (۳) از نظر مراجعه‌کننده

۱. کارشناس پژوهشی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

به چنین کتابخانه‌ای "تحریم تنباکو" به خودی خود موضوع است، یا موضوع "توپ بستن مجلس" می‌تواند به تنهایی موضوع واقع شود، بدون اینکه خللی در امر بازیابی رخ دهد. زیرا مراجعه‌کننده به چنین کتابخانه‌ای خود متخصص است و چنین مفاهیم جداگانه‌ای را هم می‌شناسد و هم برایش بار اطلاعاتی مشخص و دقیقی دارد. در مورد سایر حوزه‌ها و رشته‌های تخصصی نیز همین امر صادق است. گرایش به کلیدواژه در کتابخانه‌های تخصصی یا ایجاد سرعنوانهای موضوعی تخصصی نیز به همین دلیل است.

دومین نکته‌ای که ذکر آن مهم است، قانونمند کردن ساخت کلیدواژه‌ها، موضوعها، سرعنوانها و ... است. تاکنون کوشش دقیق و مستمری برای شناسایی تواناییهای زبان فارسی در مورد ساخت سرعنوان یا کلیدواژه صورت نگرفته است. به بیان ساده‌تر، نمی‌دانیم در زبان فارسی چه ویژگی‌هایی است که بتوان بر اساس آنها، کلیدواژه یا سرعنوان ساخت. نبود چنین قانونمندیهایی یا قواعدی باعث می‌شود که در عمل و در ضمن ساختن کلیدواژه یا سرعنوان موضوعی با تناقض و مشکل مواجه شویم. به عنوان مثال در صفحه بیست و پنج مقدمه سرعنوانهای موضوعی فارسی می‌خوانیم:

زبان فارسی خود ویژگی‌هایی را ایجاد می‌کند که ذیلاً اشاره می‌شود:

۱ - ۷ - سرعنوان مقلوب: سرعنوانهای مقلوب در فارسی به صورت عادی برمی‌گردد. زیرا که صفت به هر حال از موصوف می‌آید.

این جمله در اصل باید چنین باشد: سرعنوانهای مقلوب سرعنوانهای موضوعی کتابخانه‌کنگره در ترجمه فارسی به صورت عادی برمی‌گردد. یعنی حتی هنگام ذکر ویژگی‌های زبان فارسی، این زبان را با سرعنوانهای موضوعی کتابخانه‌کنگره مقایسه می‌کنیم. به بیان دیگر با زبان فارسی برخورد نکرده‌ایم تا بدانیم جدای از زبان انگلیسی و جدای از سرعنوانهای موضوعی کتابخانه‌کنگره کجا باید سرعنوان مقلوب به کار ببریم و کجا سرعنوان عادی.

البته در صفحه بیست و هشت مقدمه در بند ۳ - ۸ می‌خوانیم: اسم و صفت مقلوب با مضاف و مضاف‌الیه مقلوب، مثل: آب، منابع، ... در واقع به جز چهار پنج مورد که از شکل مقلوب استفاده شده است بقیه موارد زبان طبیعی است. ولی بحث اساسی در اینجا تعداد سرعنوان مقلوب انتخاب شده نیست، بلکه چرایی و چگونگی انتخاب سرعنوان مطرح است. چه اضافه‌ای، با چه شرایطی، در چه کتابخانه‌ای، و چگونه باید مقلوب باشد؟ پاسخ به این سؤالهاست که ساختن سرعنوانهای موضوعی را قاعده‌مند می‌کند. اگر قاعده‌ها مدون نشود، نه می‌توان الگویی برای ساختن سرعنوانهای موضوعی برای سایر رشته‌ها به دست داد، و نه می‌توان یکدست و یکسان عمل کرد. مضافاً بر این که نبود قانونمندیهایی باعث می‌شود که برای

ساختن هر سرعنوان جدید تشخیص و تأیید سروراستاران لازم و ضروری باشد. یعنی نقش سروراستار از نظارت کلی، جهت دادن، و برنامه‌ریزی به دخالت در جزئیات تعیین سرعنوانها کشیده می‌شود.

سومین نکته، مطالعه در مورد استفاده‌کنندگان است. تمام نظامهای ذخیره و بازیابی اطلاعات برای انسان طراحی و ساخته می‌شود. اگر مراجعه‌کننده‌ای موجود نباشد، کار ذخیره و بازیابی اطلاعات به عبث انجام گرفته است. در مورد موضوع دادن یا سرعنوان‌سازی هم وضع به همین منوال است. سرعنوان یا موضوع برای برطرف ساختن نیازهای مراجعه‌کننده شکل می‌گیرد و ساخته می‌شود. این فرد (یا افراد) چه نیازهایی دارند؟ خواسته‌های خود را با چه واژه (یا واژه‌هایی) بیان می‌کنند؟ عدم پاسخگویی به این سؤالات است که باعث می‌شود در رفتارهایمان دچار اشتباه شویم. یعنی نمی‌دانیم چه نوع مراجعه‌کننده‌ای با چه موضوعی و از طریق چه واژگانی به نظامهای دستی یا ماشینی مراجعه می‌کند، و همین امر سبب می‌شود که موضوعها و ارجاعهای عجیب و غریب ساخته شود و در برگه‌دان، سرعنوانهای موضوعی یا نمایه موضوعی انتهای کتاب قرار گیرد. مثلاً آیا می‌توان تصور کرد که مراجعه‌کننده‌ای که فارسی زبان است یا صفت به جستجو پردازد؟ یا آیا می‌توان تصور کرد استفاده‌کننده‌ای یا مضاف‌الیه در اضافه بیانی به جستجو پردازد؟ عدم توجه موضوع‌سازان و تهیه‌کنندگان نمایه‌های موضوعی به این نکته دست‌کم باعث افزایش غیرمنطقی حجم ارجاعها خواهد شد.

در مقاله حاضر هدف آن است که اضافه توضیحی در زبان فارسی - که یکی از ساده‌ترین اضافه‌هاست - و نقش آن در سرعنوانهای موضوعی فارسی مورد بررسی قرار گیرد. نتایج این مقاله احتمالاً می‌تواند در سایر نمایه‌ها از جمله نمایه موضوعی انتهای کتاب و نمایه‌های مراکز اسناد نیز مورد استفاده قرار گیرد.

اضافه توضیحی

یکی از اضافه‌های مرسوم در زبان فارسی اضافه توضیحی است. در کتابهای دستور زبان چنین آمده است: «اضافه توضیحی که در آن، مضاف اسم عام است و مضاف‌الیه نام آن را بیان می‌کند: کشور ایران، قاره آفریقا، شهر دزفول، کتاب بوستان، دریای مدیترانه»^(۱). سپس در پانویس مربوط می‌خوانیم: «برخی از دستورنویسان، اضافه توضیحی و بیانی را یکی شمرده و اضافه بیانی نامیده‌اند و گفته‌اند که در آن مضاف‌الیه، جنس یا نوع مضاف را بیان می‌کند». در هر صورت چه این نوع اضافه را اضافه توضیحی بنامیم، یا نوعی اضافه بیانی، ویژگی این نوع اضافه آن است که مضاف آن اسم عام است و مضاف‌الیه آن نام مضاف را بیان می‌کند.

استفاده از چنین اضافه‌ای، به همان صورت خود در زبان طبیعی، باعث می‌شود در نمایه‌های انتهایی کتاب یا سرعنوانهای موضوعی فارسی نوعی رده‌بندی به وجود آید. یعنی در نمایه موضوعی انتهایی کتابها یا در برگه‌دانه‌های موضوعی تمام رودها به واسطه اضافه توضیحی و مضاف "رود" زیر هم، تمام کوهها در یک قسمت، تمام دریاها در جای دیگر و ... قرار گیرند. این ویژگی ممکن است مزیتی برای برگه‌دان یا فهرست موضوعی انتهایی کتاب باشد، ولی در ضمن باعث انباشتگی فهرست یا برگه‌دان ذیل کلماتی محدود شده، بازیابی را با مشکل همراه می‌سازد.

چنین ویژگی‌یی را عموماً در زبان انگلیسی و به تبع آن در سرعنوانهای کتابخانه‌کنگره نمی‌توان یافت، زیرا به نظر می‌رسد که در زبان انگلیسی قضیه کاملاً عکس زبان فارسی است. یعنی در زبان انگلیسی ابتدا اسم خاص و بعد از آن اسم عام قرار می‌گیرد. برای مقایسه تفاوت زبان فارسی و زبان انگلیسی در این مورد می‌توان به عبارتهای موضوعی زیر توجه کرد.

Orumiyeh Lake	دریاچه ارومیه
Elburz Mountains	کوه البرز
Nile River	رود نیل
Pahlavi Language	زبان پهلوی
Marashi Family	خاندان مرعشی

همان طور که مشاهده می‌شود این ویژگی زبان فارسی با زبان انگلیسی متفاوت است. نمایه‌سازان و سرعنوان‌سازان در زبان انگلیسی، در تمام نمایه‌ها می‌توانند از این نامها بدون دخل و تصرف استفاده کنند. ویژگی زبان انگلیسی در این مورد پراکنده کردن موضوعهاست. این پراکندگی نادرست و ناصحیح نیست، بلکه این نوع پراکندگی اجازه می‌دهد برگه‌دان یا نمایه انتهایی کتاب به اندازه کافی با واژه‌های گوناگون و متنوع مجهز شود و دستیابی راحت‌تر انجام پذیرد. با توجه به این ویژگی نوعی رده‌بندی در برگه‌دان یا نمایه موضوعی زبان انگلیسی رخ می‌دهد. این رده‌بندی بر اساس اسم خاص است، نه بر اساس اسم عام. مثلاً:

Orumiyeh Lake	دریاچه ارومیه
Orumiyeh City	شهر ارومیه

این ویژگی زبان انگلیسی باعث می‌شود که اسامی خاصی که موضوعهای مختلفی را به ذهن متبادر می‌کنند، بدون عمل مقلوب کردن، نزدیک هم قرار گیرند مثل:

Tehran	تهران
Tehran State	تهران، استان

سرعنوانهای موضوعی فارسی و اضافه توضیحی

به نظر می‌رسد که سرعنوانهای موضوعی فارسی در برخورد با اضافه توضیحی سیاست مدون و معینی ندارد و به گونه‌های متفاوتی در این مورد عمل کرده است. مثالهای زیر نمونه‌هایی از انواع این برخوردهاست:

۱. بدون ذکر مضاف

<u>زبان طبیعی</u>	<u>سرعنوان موضوعی</u>
زبان برنامه‌نویسی بیسیک	بیسیک
استان خوزستان	خوزستان
زیارتگاه پیرخرمن	پیرخرمن
لهجه لری یا گویش لری	لری
بیماری آبله	آبله

۲. اضافه به صورت زبان طبیعی

سرعنوان موضوعی به صورت زبان طبیعی

اتومبیل پیکان	کوه البرز
سیستم عامل ام. اس. داس.	کنگره وین
کامپیوتر کاسیو اف. ایکس - ۶۰۲ پ	ترم افزار پروجاکس

۳. مضاف و مضاف‌الیه مقلوب

<u>زبان طبیعی</u>	<u>سرعنوان موضوعی</u>
پیمان ناتو	ناتو، پیمان
معاهده ترکمن چای	ترکمن چای، معاهده
قضیه فیثاغورس	فیثاغورس، قضیه
گروه کوهنوردی اورست	اورست، گروه کوهنوردی
امپراتوری بیزانس	بیزانس، امپراتوری

۴. مضاف داخل پراتنز

زبان طبیعی	سرعنوان موضوعی
استان کرمان	کرمان (استان)
خاندان مرعشی	مرعشی (خاندان)
ماشین حساب کاسیو اف ایکس ۳۶۰۰	کاسیو اف ایکس ۳۶۰۰ (ماشین حساب)
برنامه کامپیوتری دی بیس ۴	دی بیس ۴ (برنامه کامپیوتر)
روزنامه اطلاعات	اطلاعات (روزنامه)

در اینجا معلوم نیست چه فرقی میان "برنامه کامپیوتری دی بیس ۴" با "نرم افزار پروجاکس" است که مضاف یکی به صورت زبان طبیعی ذکر شده و مضاف دیگری در داخل پراتنز قرار گرفته است. یا اساساً چه فرقی میان "کامپیوتر کاسیو" با "ماشین حساب کاسیو" است که مضاف یکی باید به صورت طبیعی بیاید و مضاف دیگری در داخل پراتنز قرار گیرد.

شیوه استفاده از اضافه توضیحی

در زبانهای فارسی و انگلیسی از این اضافه به گونه‌هایی کاملاً متفاوت استفاده می‌شود.



شکل ۱. شیوه بیان اضافه توضیحی در زبان فارسی و زبان انگلیسی

به نظر می‌رسد که در هر دو زبان فارسی و انگلیسی بیان اسم عام مصادیق بسیاری را به ذهن متبادر می‌کند، ولی اسم خاص تعداد اندکی از مصادیق را به یاد می‌آورد. مثلاً در فارسی با گفتن واژه "رود" دهها، صدها، و شاید هزاران رود به یاد انسان می‌آید. ولی با گفتن "البرز" تعداد اندکی نام جا و مکان و ... به ذهن می‌رسد. مثل کوه البرز، شرکت البرز، بیمه البرز و مانند آن، که از نظر تعداد بسیار اندک است. هر چه حوزه تخصصی‌تر باشد بیان اسم عام مصادیق بیشتری را به یاد می‌آورد و بیان اسم خاص مصادیق کمتری را به ذهن متبادر می‌کند. مثلاً برای متخصص جغرافیا بیان "رود" تعداد رودهای بسیاری را به ذهن می‌آورد. برای همین متخصص "اترک" احتمالاً فقط یک مصداق خواهد داشت یا "البرز" فقط بیان "کوه البرز" است. یا دست کم بیان اسم خاص نزدیکترین موضوع تخصصی را به یاد متخصص می‌آورد که در این صورت باز هم رود اترک و کوه البرز خواهد بود. از نظر تواتر نیز اسم عام بسیار تکرار می‌شود، پس دارای بار اطلاعاتی کمتری است. در عوض اسم خاص کمتر تکرار می‌شود ولی نسبت به اسم عام دارای بار اطلاعاتی بیشتری است.

با توجه به دلایل ذکر شده به نظر می‌رسد که از این اضافه، با توجه به مخاطب، به گونه‌های مختلف استفاده می‌شود. مثلاً افراد متخصص ضمن گفتگو درباره موضوع تخصصی خود کمتر از این اضافه سود می‌برند. متخصصان کامپیوتر یا مهندسان الکترونیک "زد - هشتاد" به کار می‌برند. این گروه کمتر اتفاق می‌افتد که بگویند "ریز پردازنده زای لاگ زد هشتاد". در میان کتابداران یا افرادی که از دور دستی بر کامپیوتر دارند بسیار شنیده شده است که می‌گویند: کامپیوتر "۴۸۶" یا کامپیوتر "۳۸۶". در صورتی که در اصل این اسامی به صورت "ریز پردازنده اینتل ۴۸۶" و "ریز پردازنده اینتل ۳۸۶" بوده است.

در برخورد افراد متخصص با افراد غیر متخصص ممکن است در شروع بحث و گفتگو به کرات از این مضاف و مضاف‌البه استفاده شود، اما زمانی که هر دو نفر حضور ذهنی مشترکی یافتند از ذکر مضاف در برخی از موارد پرهیز می‌شود، البته حذف به قرینه جدا از تخصص در گفتار و نوشتار همیشه جایز بوده است.

در شرایطی که گفتن یک اسم خاص باعث اشتباه یا تبادرهای گوناگون می‌شود، ذکر مضاف در اضافه توضیحی اجباری است. مثلاً هیچ‌گاه نمی‌توان "خلیج فارس" را بدون خلیج ذکر کرد. یا "دریای عمان" را نمی‌توان بدون "دریای" به کار برد. زیرا در هر دو حالت "فارس" و "عمان" به تنهایی مکانهای دیگری را نیز به خاطر می‌آورد.

برخی قواعد پیشنهادی

۱. در هر نمایه‌ای چنانچه بیان مضاف‌الیه به تنهایی کافی باشد و ایجاد شبهه نکند از مضاف استفاده نمی‌شود. مثل: آسیا، ایران، می‌سی‌سی‌پی، اورست، هیمالیا، و نظایر آن.
تبصره: کتابها یا کتابخانه‌هایی که علاقه‌مندان موضوعهای شبیه به هم را در یک جا قرار دهند می‌توانند از این اضافه سود برند، مشروط بر اینکه مضاف جزء مضافهای تخصصی آن کتاب یا کتابخانه نباشد. مثلاً اگر کتابخانه تخصصی کامپیوتر، کتابهایی نیز درباره جغرافیا داشته باشد، می‌تواند از این مضاف در مورد کتابهای جغرافیا استفاده کند. مثلاً قاره آفریقا، رود نیل، کوه البرز و مانند آن. ولی توصیه می‌شود تا حد ممکن از این کار پرهیز شود.
۲. اگر نام خاصی به دو جا یا به دو موضوع خاص داده شده باشد، می‌توان از اضافه توضیحی به صورت مقلوب استفاده کرد. مثل:

ازومیه، شهرستان	کرمان، شهرستان
ارومیه، دریاچه	کرمان، استان

۳. در کتابخانه‌ها یا کتابهای تخصصی در مورد اصطلاحات و موضوعهای تخصصی که اضافه توضیحی هستند، باید از ذکر مضاف خودداری کرد. در اکثر موارد حتی لازم نیست از مضاف پس از علامت ویرگول استفاده کرد. مثلاً کتابخانه تخصصی کامپیوتر نباید از مضافهایی مانند کامپیوتر، ریزپردازنده، نرم‌افزار، و ... استفاده کند.
۴. استفاده از پراتنز به صورت "کاسیو آف ایکس - ۳۶۰۰ پ الف (ماشین حساب)" به هر حال دقیق نیست. علامت ویرگول بار معنایی بیشتری دارد و نشان می‌دهد که با جابه‌جایی دو سوی علامت، موضوع به زبان طبیعی برمی‌گردد و مضاف و مضاف‌الیه به صورت طبیعی قرار می‌گیرند. در صورتی که علامت پراتنز این معنا را در بر ندارد.
۵. اگر مضاف‌الیه خود اسم عام دیگری باشد شکستن آن جایز نیست. مثل "رود زرد"، "دریای سرخ". در این صورت به همین ترکیب و به همین شکل باید از این اضافه استفاده کرد.

سخن آخر

نگارنده در سال ۱۳۶۸ تجربیاتی در مورد ساختن موضوع با توجه به دستور زبان فارسی کسب کرد. با توجه به آن تجربه به صراحت باید گفت که می‌توان برای موضوع‌سازی قواعدی را وضع نمود. البته این قواعد به جز دستور زبان فارسی باید متکی بر علم زبانشناسی نیز باشد. قابل ذکر است که آن قواعد می‌تواند راهگشای افراد مختلف برای موضوع‌سازی باشد. ■

مآخذ:

۱. انوری، حسن؛ احمدی گیوی، حسن. دستور زبان فارسی ۲. تهران: قاطمی، ۱۳۷۳.
۲. آستین، درک. راهنمای تهیه و گسترش اصطلاحنامه یک‌زبانه، ترجمه عباس حرّی. تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی، ۱۳۶۵.
۳. سرعنوانهای موضوعی فارسی. زیر نظر پوری سلطانی، کامران فانی. ویرایش ۲. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳.



شوریه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی